



درس چهارم: شجاعت و شهامت

هدف:

دانش‌آموزان در این درس با مفاهیم
شجاعت و شهامت آشنا می‌شوند.

شروع

مرئی کرامے!

این درس را با شعرو جملات زیر آغاز کنید.

به نام آن که نام دلربایش *** بود درمان درد بندگانش
به لب ذکر شفا بخش تو دارم *** خدایا هر چه دارم از تو دارم
بچه های عزیز! بعد از به نام خدا چی باید بگیم؟ بسم الله الرحمن الرحیم؟
بعدش چی؟
آفرین! سین، لام، الف، میم. یعنی چی؟
احسنت به شما! یعنی سلام.

سلام به روی ماهت *** به کاکلت، کلاهت
سلام به چشم و ابروت *** به گوش و بینی و موت
سلام به ناز چشمات *** به سیب سرخ لپات
سلام که خیلی ماهی *** چشم نخوری الهی

بچه های گل! سلامی به زیبایی تمام گلها به شما دوستان زرنگ و باهوشم که
آماده هستید به برنامه ی خیلی قشنگ و زیبا اجرا کنیم.
امروز می خوام در مورد به صفت خیلی خوب که خیلی از شما دوست دارید،
صحبت کنم. به نظرتون منظورم چیه؟
خب! برای اینکه این صفت رو پیدا کنیم، اول به خاطره زیبا تعریف کنم. موافقید؟

مرئی کرامے!

داستان زیر را با لحن دلنشین برای کودک بیان کنید.

خاطره داستانی



نام داستان: **هیس! آهسته!** || ساعت ده شب بود. بیابان و همه جا تاریک تاریک بود. فقط من ماه، در آسمان کامل و پر نور می درخشیدم. داشتم چرت می زدم که یک دفعه دیدم حاج قاسم از پشت سنگر دستش را دراز کرد و عراقی ها را به یکی از سربازانش نشان داد. او پچ پچ کنان گفت: «برای اینکه بریم قاطی لشکر دشمن، اصلاً نباید حرف بزنی چون اگه بفهمند ایرانی هستی می کشنت». باور نمی کنید که چه دیدم. حاج قاسم و دو نفر از نیروهایش رفتند طرف عراقی ها. ترس؟ نه! اصلاً! نه تنها نترسیدند بلکه رفتند توی صف عراقی ها و غذا هم گرفتند. نشستند و خوردند. به همین راحتی، به همین خوش مزگی!

اگر تا الان ماه شاخ دار ندیده اید حق دارید. اقا من در آن لحظه از تعجب شاخ درآورده بودم. چرا؟ چون چند تا لودر آن جا بود. حاج قاسم به یکی از سربازانش گفت: «تو رانده ای لودر هستی. می تونی یکی از این لودرها رو برداریم بریم عقب؟» سرباز با چشم های گرد شده و ابروهای بالا رفته گفت: «نه! نمی شه». حاج قاسم گفت: «خدا درستش می کنه، برو».

بله! جگر داشتن هم حدی دارد، نه این طور! من که داشتم می لرزیدم اقا حاج قاسم و سربازش دوتایی آب و روغن لودر را بررسی کردند و برو. خاکریز اول نه، خاکریز دوم نه، به خاکریز سوم که رسیدند، تازه دشمن منگ و مونگ فهمید که چه بلایی سرش آمده. شروع کرد به شلیک کردن. آن جا بود که از خنگی دشمنان زدم زیر خنده.

حاج قاسم و سربازش رفتند و من ماه شب چهارده تا صبح منتظر ماندم. می خواستم ببینم خبر شجاعت حاج قاسم چطور دنیا را می ترکاند؟ صبح که شد رادیو لندن اعلام کرد: «قاسم سلیمانی به عراق آمد، یک لودر برداشت و برد». دلم خنک شد!

شعار



مرئی گرامه!

از دانش آموزان بخواهید این شعار را همه با هم تکرار کنند.

وای اگر خامنه ای حکم جهادم دهد *** ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد
آمریکا در چه فکریه؟ *** ایران پر از بسیجیه



گره داستانی

۱ رشادت و شجاعت حضرت قاسم ابن الحسن علیه السلام در روز عاشورا

۲ با خودش چند اسیر عراقی را عقب آورده بود، خبرنگارها آنجا بودند، یک مترجم پیدا شد و با اسرا مصاحبه کردند، از آنها پرسیدند چطور شد توسط یک نوجوان اسیر شدید، مترجم حرف‌های آنها را گوش داد و گفت: می‌گویند این نوجوان اسلحه‌ای داشت که ما تا به امروز شبیه آن را ندیده بودیم، ترس در دل‌مان افتاد و دست‌هایمان را بالای سرمان بردیم تا اسیر شویم.

مرحمت در گرگ و میش صبحگاهی، عراقی‌ها را دیده بود، خودش می‌گفت: وقتی که عراقی‌ها را دیدم چون اسلحه نداشتم، اگر روز ماشینی را که روی زمین افتاده بود برداشتم رو به عراقی‌ها گرفتم و گفتم: «قف، لاتحرک» یعنی بایست و تکان نخور. (روایتی از نوجوان شهید مرحمت بالا زاده)^۱

۳ «علی لندی» نوجوان ۱۵ ساله ایزده‌ای که در ۱۸ شهریور ۱۴۰۰ وقتی متوجه آتش گرفتن خانه همسایه و درخواست کمک اهالی خانه می‌شود، برای نجات دو بانویی که در آتش گیر افتاده بودند، شجاعانه و فداکارانه به آتش می‌زند و آنها را نجات می‌دهد و خودش به شدت دچار سوختگی می‌شود، نوجوان فداکار علی لندی بر اثر شدت سوختگی در ۱ مهر ۱۴۰۰ به لقاء الله پیوست و رهبر معظم انقلاب دو روز بعد طی حکمی با «شهید» خواندن ایشان موافقت کرد.

طنز

یکی از بالای یک آبشار بزرگ پرید. وقتی خبرنگاران آمدند، مصاحبه‌کننده گفت: چه حرفی دارید به عنوان یک فرد شجاع؟ گفت: حرفی ندارم، فقط به من بگویید چه کسی من را ازون بالا هل داد پایین؟



مسابقه

مرئی گرامے!

از دانش‌آموزان بخواهید این حدیث شریف را با سرعت ولی بدون نقطه بنویسند:
«شجاع‌ترین مردم بخشنده‌ترین آنهاست».

بازی حرکتی

مرئی گرامے!

از دانش‌آموزان بخواهید مصادیق شجاعت را بیان کنند.

پایان

خب حالا که مصداق‌های شجاعت رو فهمیدین و وقتمون هم متأسفانه تموم شده، دست‌هاتون رو بیارید بالا و همه بعد از من تکرار کنید
«یا رب آمین، یا رب آمین».
آماده‌اید؟

خداوندا کمک کن ناتوان را..... یارب آمین ، یارب آمین
رسان بر داد ما، صاحب‌زمان را..... یارب آمین ، یارب آمین
ز دل‌ها دور کن اندوه و ماتم..... یارب آمین ، یارب آمین
ز میهن دور کن ظلم جهان را..... یارب آمین ، یارب آمین

خب ان‌شاءالله که موفق باشید.

سلامتی و فرج امام زمان عج بلند صلوات
اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
دست علی یارتون، خدا نگهدارتون.

